نقش سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی دانشجویان دختر

کریم افشاری‌نیا[1]

چکیده تاریخ دریافت: 92/9/20 _ تاریخ پذیرش: 93/2/18

این پژوهش با هدف بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی دانشجویان دختر انجام شد. نمونه پژوهش300 نفر از دانشجویان مجرد دختر دانشگاه آزاد کرمانشاه که در مقطع کارشناسی ارشد در سال تحصیلی 91-1390 مشغول به تحصیل بودند، بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور و پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (فرم کوتاه) و پرسشنامه ملاک‌های همسرگزینی بودند. نتایج نشان داد که از بین سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن با ملاک محتوایی همسرگزینی و سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک فرآیندی همسرگزینی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. همچنین از بین حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، حوزه خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه محدودیت مختل با ملاک فرآیندی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد سبک ایمن به صورت معکوس و معنادار قویترین پیش‌بینی کننده ملاک محتوایی همسرگزینی است و سبک اجتنابی به صورت معکوس و معنادار قویترین پیش‌بینی کننده ملاک فرآیندی همسرگزینی است.از بین طرحواره‌های ناسازگار، طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل به صورت مثبت و معنادار قویترین پیش‌بینی‌کننده ملاک محتوایی همسرگزینی است و به صورت معکوس و معنادار پیش‌بینی‌کننده ملاک فرآیندی همسرگزینی نیز می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند در تصمیم‌گیری افراد برای شریک زندگی تأثیرگذار

1. استادیار مشاوره، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Email: K.afsharineya@iauksh.ac.ir

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

باشند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ملاک‌های همسرگزینی.

مقدمه

نقش بسیار پر رنگی که سالها ازدواج در تمام ابعاد زندگی انسانها ایفا می‌کند ، ذهن را به سمت تفکر هر چه بیشتر در مورد چگونگی انتخاب و تصمیم‌گیری سوق می‌دهد. ازدواج تعهدی است که افراد در بزرگسالی قبول می‌کنند و به عنوان مهمترین و مقدس ترین نهاد اجتماعی و مکانی برای رشد و پرورش عاطفی زوجین همواره مد نظر بوده است. ازدواج، اولین و مهمترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی است که در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد. پژوهشهای متعدد نشان داده‌اند که ازدواج نقش مهمی در سلامت عمومی افراد ایفا می‌کند (لمب[1]، 2003). افراد متاهل از فوائد حمایت‌های اجتماعی و روانی و اقتصادی حاصل از ازدواج لذت می‌برند (لاکسو و پائونونن- ایلمونن[2]، 2002، وایت [3]، 2006)، میزان مرگ و میر در آنها پایین تر است (کومبز[4]، 2000)، و با کنترل عوامل متعدد، بسیار شادمان تر از افراد مجرد هستند (چان و لی[5]، 2001، به نقل از ویلسون و اوسوالد[6]، 2005، گرین و راجرز[7]، 2001) و نیز سلامت جسمی و روانی آنها بیشتر و طول عمرشان زیادتر است (ویلسون و اوسوالد، 2005).

ازدواج موفق مستلزم گزینش همسر مناسب است که سازگاری و رضایتمندی زناشویی را به همراه

1. Lamb
2. Laakso&Paunonen- Illmonen
3. Waite
4. Combs
5. Chun & Lee
6. Wilson & Oswald
7. Green & Rodgers

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

می‌آورد و این سازگاری می‌تواند به طور کامل بر کیفیت زندگی تاثیر بگذارد (ملازاده، 1381). بدین منظور وجود مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و اطلاعات در جهت ارتقای کیفیت ازدواج الزامی می‌باشد. ازدواج‌هایی موفق هستند که در آنها ملاکهای انتخاب به درستی رعایت شده باشند و طرفین از ملاکهای خود، آگاهی و تعریف روشنی داشته باشند (رفاهی، 1387). اولویتها و معیارهای همسر گزینی، ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگیهایی هستند که از یک معشوق خیالی یا همسر بالقوه، مطالبه می‌شوند و تعداد زیادی از این ادراکات به صورت واضحی با هیجانها در ارتباط هستند (باس، 2004، به نقل از اکرمیان، 1389). شکل گیری این معیارها امری نیست که به طور ناگهانی در فرد به وجود بیاید، بلکه همه آنها نتیجه رشد یک سلسله فرآیندهای شناختی، عقلانی، اجتماعی و روانی فرد است (فرحبخش، عابدی، 1380).

طرحواره‌های باثبات ذهنی، یکی از تعیین کننده‌های درونی‌ای هستند که نقش بسیار مهمی در انتخاب همسر و نیز راهبردهای مقابله ای در رابطه عاطفی دارند (حسینی، 1389). از مؤلفه‌های مهمی که هر فرد باید به آنها توجه کند و از تاثیر آنها بر ملاکهای انتخاب همسرشان آگاه شوند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه[1] و سبکهای دلبستگی هر فردمی باشد.

بالبی[2] (1980) ابراز داشت که نوزادان، تجربیات خود با مراقبان را برای ایجاد نمودهای دلبستگی درونی یا الگوهای فعال سازی درونی درباره‌ی خودشان و دیگران در روابط بیرون می‌کشند و این نمودهای دلبستگی در پی آن، انتظارات در مورد روابط و آینده را شکل می‌دهند و از سوی دیگر، طرحواره‌ها، باورهای ارزیابی

1. Early Maladaptive Schemas
2. Bowlby.J

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

گرایانه در مورد خود و دیگران را شامل می‌شوند. چنین بیان شده که بازنمایی‌های دلبستگی می‌توانند به عنوان طرحواره‌های شناختی برای روابط، مفهوم سازی شوند که در پاسخ به تجربیات با مراقبان دوران کودکی شکل گرفته اند(ویردن[1] و همکاران، 2008).سه سبک دلبستگی عمده وجود دارد: دلبستگی ایمن[2]، دلبستگی ناایمن-اجتنابی[3] و دلبستگی ناایمن _ اضطرابی/دوسوگرا[4]. کودک دارای سبک دلبستگی ایمن گرایش دارد که دیگران را به عنوان قابل اتکاء و خودش را به عنوان کسی که ارزش دوست داشتن و مراقبت را دارد، ببیند ویدرمن[5]، 1996؛ به نقل از رفیعی و همکاران، 1390). بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رومانتیک شان را به صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند، آنها قادرند که به آسانی به دیگران نزدیک شوند و به حمایت از شریک زندگی شان تمایل دارند. پژوهش هازان و شیور[6] (1978) نشان داد که حدود 56% از بزرگسالان در طبقه ی دلبستگی ایمن قرار می‌گیرند (کارداکتز[7]، 2009). دلبستگی اجتنابی با الگوهای فعال سازی دیگران در روابط مرتبط است و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیاز به روابط نزدیک ندارند و تمایل به ترس از صمیمیت دارند (ویدرمن، 1996؛ رفیعی و همکاران، 1390). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی تمایل دارند که از صمیمیت و فراز و فرودهای هیجانی بیمناک باشند، اعتماد کردن به دیگران را مشکل می‌یابند و از زیادی نزدیک شدن به دیگران نگرانند. بزرگسالان اجتنابی حدود 25% از جمعیت را تشکیل می‌دهند

1. Wearden.A
2. Secure
3. Avoidant
4. Ambivalent
5. Weiderman.A
6. Hazen.C&Schewer.P
7. Kardaktaz.K

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

(هازان و شیور، 1987؛ به نقل از رفیعی و همکاران، 1390). دلبستگی اضطرابی با الگوی فعال‌سازی خود در روابط مرتبط است، یعنی این افراد گرایش دارند که الگوی ضعیفی از خودشان در روابط داشته باشند، این افراد نگرانند که دوست داشته نشوند یا ترک گردند و در جستجوی اطمینان آفرینی مجدد و تجربه‌ی عاطفی منفی هستند (ویدرمن، 1996؛ به نقل از رفیعی و همکاران، 1390). بزرگسالان با سبک اضطرابی/دوسوگرا عشق را به صورت یک وسواس توصیف می‌کنند و گرایش دارند تا روابط رومانتیکی را تجربه کنند که به وسیله فراز و فرودهای هیجانی، حسادت بیش از حد و تمایل قوی برای پیوند هیجانی، مشخص گردد (هازان وشیور، 1987؛ به نقل از رفیعی و همکاران، 1390). بزرگسالان اضطرابی/دوسوگرا خواهان صمیمیت هستند و بیش از هر چیزی از طرد می‌ترسند (پیتر، ماناکو، بارت[1]، 2000). در بررسی علل طلاق افزون بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، علل فردی و روانشناختی از جمله طرحواره‌ها از اهمیت ویژه برخوردارند (یوسفی، 1389). پلاتز، تایسون و ماسون[2] (2002) همسویی آشکاری بین طرحواره‌های توصیف شده به وسیله بک و همکاران (بک، 1964) و نمودهای دلبستگی (بالبی، 1973) یادآور شدند. بنابراین دلیلی برای اندیشیدن به این موضوع که نظریه دلبستگی ممکن است برخی بینش‌ها را نسبت به ایجاد طرحواره‌های شناختی ناسازگار فراهم کند، وجود دارد (پلاتز، تایسون و ماسون، 2005؛ به نقل از احمدوست، 1389).

یانگ[3] (1999) بر این باور است که طرحواره‌ها در سه موقعیت شکل می‌گیرند و تداوم می‌یابند. این سه موقعیت عبارتند از: نیازهای هیجانی

1. Pietro& Monaco & Barrett
2. Platts& Tyson & Mason
3. Young

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

اساسی، تجارب اولیه کودکی و خلق و خوی هیجانی. ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی نهفته است، طرحواره‌هایی که زودتر شکل می‌گیرند، معمولاً قوی‌تر هستند. طرحواره‌ها مطابق با پنج نیاز تحولی کودک به پنج حوزه ی بریدگی و طرد[1]، خودگردانی و عملکرد مختل[2]، محدویت‌های مختل[3]، دیگرجهت‌مندی[4]، گوش به زنگی بیش از حد و درصد بازداری[5] تقسیم شده‌اند که هر کدام شامل چند طرحواره است. حوزه بریدگی و طرد شامل طرحواره‌های رهاشدگی/بی ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/شرم و انزوای اجتماعی/یگانگی است. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرحواره‌های وابستگی/بی کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خودتحول نیافته/گرفتار و شکست می‌باشد. حوزه محدودیت مختل شامل استحقاق/بزرگ منشی، خویشتن داری و خودانضباطی ناکافی است. حوزه دیگرجهت‌مندی شامل طرحواره‌های اطاعت، ایثار و پذیرش‌جویی می‌باشد و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری شامل طرحواره‌های منفی‌گرایی/بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی و تنبیه می‌باشد (یانگ، ترجمه صاحبی و حمیدپور، 1384). طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب شناسی روانی میان فردی به صورت سوءتفاهم ها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف و چشم داشت‌های غیرواقع بینانه خود را نشان می‌دهند (پاسکال، کریستین و جین[6]، 2008؛ به نقل از یوسفی، 1389). گیوریسو و همکاران (2010)، در

1. Disconnection Rejection
2. Emotional Deprivation
3. Impaired Limits
4. Other-Directedness
5. Overvigilance/inhibition
6. Pascal & Christine & Jean

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

پژوهشی به بررسی تاثیر تجارب دوران کودکی بر روی انتخاب همسر بر اساس صفات شخصیتی و نقش پذیری جنسی پرداختند. بطور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تجارب دوران کودکی نقش مهمی را در شکل گیری ترجیحات همسر گزینی بازی می‌کند و الگوهای والدینی ممکن است زوجین را را در زمینه صفات شخصیتی طرف مقابل هدایت کند.

اکرمیان (1389) پژوهشی در ارتباط با مقایسه ملاکهای محتوایی و فرآیندی همسرگزینی در افراد با میزان بالا و پایین خودمتمایزسازی در کاشان انجام داده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا، ملاکهای فرآیندی و افراد با خودمتمایزسازی پایین، ملاکهای محتوایی را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که مردان و زنان در ملاکهای محتوایی و فرآیندی همسرگزینی متفاوتند. زنان بیشتر از مردان، هم به ملاکهای محتوایی و هم به ملاکهای فرآیندی در انتخاب همسر توجه دارند.در پژوهشی که به وسیله‌ی پلاتز، ماسون و تایسون (2005) به منظور بررسی رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی بزرگسالی انجام گرفت، نتایج نشان دادند که طرحواره‌ها به صورت معنی‌داری مطابق با گروه‌بندی سبک دلبستگی متفاوتند. گروه دارای سبک دلبستگی بیمناک، در جه‌ی بیشتری از طرحواره‌های ناسازگار را داشتند.

با توجه به اینکه ممکن است طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نوع سبک دلبستگی افراد بر انتخاب همسر بر اساس ملاکهای صحیح همسرگزینی تاثیر داشته باشد و با توجه به مطالعات انجام شده در ارتباط با ملاکهای همسرگزینی و پژوهش‌های مرتبط با سبکهای دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه، پژوهش حاضر در صدد است رابطه بین سبکهای دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نقش آنها در

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

انتخاب ملاکهای همسرگزینی دختران بررسی کند.

روش پژوهش

جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد کرمانشاه در سال تحصیلی 92-1391می باشد. نمونه گیری به صورت تصادفی ساده صورت گرفته است. به این صورت که از بین دانشجویان دختر مجرد مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه که 620 نفر بودند، 300 نفر به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس، بعد از توضیح مختصری درباره موضوع این پژوهش، از آزمودنی‌ها خواسته شد که پرسشنامه‌های سبک دلبستگی هازن و پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار یانگ و پرسشنامه ملاکهای همسرگزینی رفاهی را پاسخ دهند.

پرسشنامه ملاکهای همسرگزینی: پرسشنامه ملاکهای همسرگزینی، مشتمل بر 22 عبارت (ملاک) است که توسط رفاهی (1387) در ایران تهیه شده و روش پاسخدهی به آن به صورت لیکرت است و دو بعد فرآیندی و محتوایی را در انتخاب همسر بررسی می‌نماید. اعتبار پرسشنامه به روش محاسبه‌ی آلفای کرانباخ α =0/87 محاسبه گردیده که نشانه اعتبار بالای پرسشنامه است و همچنین روایی سازه پرسشنامه در کل دو عامل محتوایی و فرآیندی است که 75 درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند و حاکی از روایی قابل قبول پرسشنامه است.

پرسشنامه سبکهای دلبستگی هازن و شیور: برای اندازه گیری سبکهای دلبستگی از مقیاس دلبستگی بزرگسال استفاده خواهد شد. مقیاس دلبستگی بزرگسال که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ساخته شده و توسط بشارت در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک آزمون 15 سؤالی است و سبک

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس 5 درجه ای لیکرت (خیلی کم-1، کم-2، متوسط-3، زیاد-4، خیلی زیاد-5) می‌سنجد.

پایایی ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیر مقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (1480 نفر شامل 860 دختر و 620 پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب 0/86، 0/84، 0/85 (برای دانشجویان دختر 0/86، 0/83، 0/84 و برای دانشجویان پسر 0/84، 0/85، 0/86) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه 300 نفری از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنیها به ترتیب 0/87، 0/83، 0/85 (برای دانشجویان دختر 0/86، 0/82، 0/85 و برای دانشجویان پسر 0/88، 0/83، 0/83) محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش می‌باشد. مقیاس دلبستگی بزرگسال یا سنجش ضرایب دلبستگی بین نمره‌های 15 نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب 0/80، 0/61 و 0/75 محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس‌های مشکلات بین شخصی و عزت نفس کوپر اسمیت در مورد یک نمونه 300 نفری از آزمودنیها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ایمن و زیر مقیاس‌های مشکلات بین شخصی همبستگی منفی معنی دار و با زیر مقیاس‌های عزت نفس همبستگی منفی و اما غیر معنی دار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

پرسشنامه طرحواره یانگ: این مقیاس، فرم کوتاه مقیاس یانگ (1998) است. این پرسشنامه دارای 75 ماده است و بر پایه ی یافته‌های اسمیت و همکاران (1995) پانزده طرحواره، در پنج حوزه قرار می‌گیرند که شامل:

حوزه 1) رهاشدگی- بی ثباتی، بی اعتمادی- بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص- شرم، انزوای اجتماعی- بیگانگی.حوزه 2) وابستگی- بی کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به زیان یا بیماری، خودتحول نیافته- گرفتار، شکست.حوزه 3) استحقاق- بزرگمنشی، خویشتن داری- خودانضباطی ناکافی.حوزه 4) اطاعت، ایثار.حوزه 5) بازداری هیجانی، معیارهای سخت گیرانه- عیب جویی افراطی.

اعتبار این مقیاس به وسیله آلفای کرونباخ برای کل آزمون 0/96 و برای تمام خرده مقیاس‌ها بالاتر از 0/80 بوده است. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی (1384) بر روی 387 نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام شده و همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در افراد مؤنث 0/97 و در افراد مذکر 0/98 به دست آمده است. بالاترین ضریب آلفا در مورد خرده مقیاس وابستگی و شکست (0/90) و پایین ترین ضریب آلفا برای خرده مقیاس بی‌اعتمادی/بدرفتاری (0/71) به دست آمده است. این ضریب آلفا (بین 0/71 تا 0/90) نشان دهنده همسانی درونی بالا بین خرده مقیاس‌ها است. در هنجاریابی که توسط آهی (1384) انجام شد روایی و پایایی این پرسشنامه نیز به دست آمده که نتایج آن با نتایج بدست آمده از هنجارهای خارجی همخوانی داشت. جهت برآورد پایایی با استفاده از روش بازآزمایی، فرم کوتاه پرسشنامه در هر نوبت با فاصله زمانی 4 هفته بین 60 آزمودنی اجرا شد و سپس ضریب همبستگی

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

پیرسون بین نمرات حاصل از دو بار اجرای آزمون محاسبه شد، ضرایب همبستگی برای خرده مقیاس‌ها در دامنه 0/60 تا 0/85 قرار داشت. همچنین به منظور برآورد پایایی آزمون از طریق همسانی درونی در دامنه 0/70 تا 0/90 واجد همسانی بالایی می‌باشد.جهت بررسی روایی پرسشنامه از روایی ملاک و سازه استفاده گردیدکه طی آن طبقات بالا بین ساختار نظری خرده مقیاس‌ها و نتایج تحلیل عاملی روایی سازه پرسشنامه را تایید نمود.

یافته ها

در این پژوهش، به منظور پاسخگویی به سوالهای پژوهش از روشهای ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.برای بررسی فرضیه اول از ضریب همبستگی پیرسون برای محاسبه معنادار بودن رابطه بین سبکهای دلبستگی و ملاکهای همسرگزینی استفاده شد. برای بررسی فرضیه دوم نیز از ضریب همبستگی پیرسون برای محاسبه معنادار بودن رابطه بین طرحواره های ناسازگار با ملاکهای همسر گرینی استفاده شد. همانطور که جدول 1 نشان می‌دهد بین سبک دلبستگی ایمن و ملاک محتوایی ، بین سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک فرآیندی، بین سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک محتوایی و ملاک فرآیندی رابطه معنادار در جهت معکوس وجود دارد. بر اساس جدول 2، بین حوزه خودگردانی و عملکرد مختل در طرحواره ناسازگار اولیه دانشجویان دختر و ملاک محتوایی همسر گزینی رابطه معنادار وجود دارد. همچ نین بین حوزه محدودیت مختل در طرحواره ناسازگار اولیه دانشجویان دختر و ملاک محتوایی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول 1، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ملاک‌های همسرگزینی دختران

شاخص ها	ملاک	ملاک

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

سبک دلبستگی ایمن	همبستگی سطح معناداری	**-0.23 0.001	-0.03 0.545
سبک دلبستگی اجتنابی	همبستگی سطح معناداری	-0.05 0.434	**-0.16 0.005
سبک دلبستگی دوسوگرا	همبستگی سطح معناداری	**-0.16 0.004	**0.21 0.001

** : p< 0/001

جدول 2، رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ملاک‌های همسرگزینی دختران

شاخص ها		ملاک محتوایی	ملاک فرآیندی
حوزه بریدگی و طرد	همبستگی سطح معناداری	0.10 0.094	-0.03 0.644
حوزه خودگردانی و عملکرد مختل	همبستگی سطح معناداری	**0.16 0.008	0.10 0.069
حوزه دیگر جهت مندی	همبستگی سطح معناداری	0.01 0.825	-0.01 0.883
حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	همبستگی سطح معناداری	0.11 0.114	-0.05 0.393
حوزه محدودیت مختل	همبستگی سطح معناداری	*0.14 0.030	0.05 0.410

** : p< 0/001

برای بررسی فرضیه سوم از تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی ملاکهای همسرگزینی بر اساس سبکهای دلبستگی استفاده شد..همانطور که جدول 3 نشان می‌دهد هر سه سبک دلبستگی ایمنی، اجتنابی و دوسوگرا قادر به پیش‌بینی ملاک محتوایی همسرگزینی می‌باشند. به این صورت که سبک ایمن به صورت معکوس و معنادار (P<0/004، β=-0.352) قویترین پیش‌بینی کننده ملاک محتوایی همسرگزینی است.ضریب تاثیر این سبک منفی است و

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

به این معناست که اگر یک واحد تغییر به نمره سبک ایمن اضافه شود به اندازه 0.352 از نمره ملاک محتوایی همسرگزینی کاهش می‌یابد. یافته‌های دیگر این تحلیل نشان میدهد که سبک اجتنابی به صورت مثبت و معنادار (P<0/009، β=0.234) پیش‌بینی کننده ملاک محتوایی همسرگزینی می‌باشد. در این مورد به ازای یک واحد تغییر در نمره سبک اجتنابی به اندازه 0.234تغییر در نمره ملاک محتوایی همسرگزینی به وجود می‌آید. در مقابل دیگر نتایج موید این است که سبک دوسوگرانیز به صورت مثبت و معنادار (P<0/002، β=0.228) پیش‌بینی کننده ملاک محتوایی همسرگزینی می‌باشد. در این مورد به ازای یک واحد تغییر در نمره سبک اجتنابی به اندازه 0.228تغییر در نمره ملاک محتوایی همسرگزینی به وجود می‌آید.

به منظور بررسی رابطه خطی میان سبکهای دلبستگی(ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) و ملاک فرآیندی همسرگزینی و نیز بررسی سهم متغیر پیش بین (سبکهای دلبستگی) در واریانس متغیر ملاک(ملاک فرآیندی همسرگزینی) از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. همانطور که جدول 4نشان می‌دهد سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا قادر به پیش‌بینی ملاک فرآیندی همسرگزینی می‌باشند. به این صورت که سبک اجتنابی به صورت معکوس و معنادار (P<0/006، β=-0.354) قویترین پیش‌بینی کننده ملاک فرآیندی همسرگزینی است. این ضریب تاثیر منفی است و به این معناست که اگر یک واحد تغییر به نمره سبک اجتنابی اضافه شود به اندازه 0.354 از نمره ملاک فرآیندی همسرگزینی کاهش می‌یابد. یافته‌های دیگر این تحلیل نشان میدهد که سبک دوسوگرا به صورت معکوس و معنادار (P<0/009، β=0.328) پیش‌بینی کننده ملاک فرآیندی همسرگزینی می‌باشد. در این مورد با اضافه شدن یک واحد به نمره سبک دوسوگرا به اندازه 0.328 از نمره ملاک فرآیندی همسرگزینی

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

کاهش می‌یابد.

جدول 3 :خلاصه تحلیل رگرسیون همزمان سبکهای دلبستگی با ملاک محتوایی همسرگزینی

متغیرهای پیش بین	B	β	P	R	R^2	F
اجتنابی	0.146	0.234	0.009			
ایمنی	0.344	-0.352	0.004	0.437	0.191	3.53
دوسوگرا	0.180	0.228	0.002			

جدول 4:خلاصه تحلیل رگرسیون سبکهای دلبستگی با ملاک فرآیندی همسرگزینی

متغیرهای پیش بین	B	β	P	R	R^2	F
اجتنابی	0.176	-0.354	0.006			
ایمنی	0.084	0.141	0.004	0.414	0.171	3.20
دوسوگرا	0.210	-0.328	0.009			

برای بررسی فرضیه سوم به منظور بررسی رابطه خطی میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه (و زیرگروههای آن) و ملاک محتوایی همسرگزینی و نیز بررسی سهم متغیر پیش بین (طرحواره‌های ناسازگار اولیه) در واریانس متغیر ملاک(ملاک محتوایی همسرگزینی) از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد.

جدول 5 :خلاصه تحلیل رگرسیون طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ملاک محتوایی همسرگزینی

متغیرها پیش بین	B	β	P	R	R^2	F
بریدگی و طرد	0.64	0.36	0.20			
خودگردانی و عملکرد مختل	0.44	0.42	0.006			
جهت مندی	0.10	0.07	0.69	0.575	0.330	7.64
گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	0.32	0.05	0.26			
محدودیت مختل	0.84	0.40	0.020			

همانطور که جدول 5 نشان می‌دهد طرحواره

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

خودگردانی و عملکرد مختل و طرحواره محدودیت مختل قادر به پیش‌بینی ملاک فرآیندی همسرگزینی می‌باشند. به این صورت که طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل به صورت مثبت و معنادار (P<0/006، β=0.42) قویترین پیش‌بینی کننده ملاک محتوایی همسرگزینی است. در این مورد به ازای یک واحد تغییر در نمره حوزه خودگردانی و عملکرد مختل به اندازه 0.228 تغییر در نمره ملاک محتوایی همسرگزینی به وجود می‌آید. یافته‌های دیگر این تحلیل نشان میدهد که حوزه محدودیت مختل نیز به صورت مثبت و معنادار (P<0/020، β=0.40) پیش‌بینی کننده ملاک محتوایی همسرگزینی می‌باشد. در این مورد با اضافه شدن یک واحد به نمره حوزه محدودیت مختل به اندازه 0.40 به نمره ملاک محتوایی همسرگزینی افزوده می‌شود.

به منظور بررسی رابطه خطی میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه (و زیرگروههای آن) و ملاک فرآیندی همسرگزینی و نیز بررسی سهم متغیر پیش بین (طرحواره‌های ناسازگار اولیه) در واریانس متغیر ملاک (ملاک فرآیندی همسرگزینی) از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول 6 آمده است.

جدول 6 :خلاصه تحلیل رگرسیون طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ملاک فرآیندی همسرگزینی

متغییرهای پیش بین	B	β	P	R	R^2	F
بریدگی و طرد	0.24	0.16	0.30			
خودگردانی و عملکرد مختل	0.26	0.2-2	0.009			
جهتمندی	0.10	0.09	0.69	0.29	0.09	5.506
گوش به زنگی بیش از حدوبازداری	0.43	0.04	0.36			

[Downloaded from journal.iranconseling.ir on 2026-11-03]

محدودیت مختل	0.45	0.10	0.20

همانطور که جدول 6 نشان می‌دهد فقط طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل قادر به پیش‌بینی ملاک فرآیندی همسرگزینی می‌باشند. به این صورت که طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل به صورت معکوس و معنادار (β=-0.22 ،P<0/96) پیش‌بینی کننده ملاک فرآیندی همسرگزینی است. ضریب تاثیر این طرحواره منفی است و به این معنی است که با اضافه شدن یک واحد تغییر در نمره حوزه خودگردانی و عملکرد مختل به اندازه 0.22 از نمره ملاک فرآیندی همسرگزینی کاهش می‌یابد. یافته‌های دیگر این تحلیل نشان میدهد که سایر حوزه‌ها پیش‌بینی کننده ملاک فرآیندی همسرگزینی نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که بین سبک دلبستگی ایمن و ملاک محتوایی، بین سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک فرآیندی، بین سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک محتوایی و سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک فرآیندی رابطه معنادار در جهت معکوس وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی و ملاک همسر گزینی رابطه معنادار معکوسی و جود دارد. بین بقیه موارد نیز معناداری آماری مشاهده نشد. در این پژوهش افراد دارای سبک‌های دلبستگی ایمن، ملاکهای فرآیندی را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند و افراد دارای سبکهای دلبستگی اجتنابی، ملاک‌های فرآیندی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند و سبک اجتنابی با ملاکهای همسرگزینی به طور کلی رابطه معنادار معکوس دارد. و نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از این بود که سبک دلبستگی ایمن قویترین پیش‌بینی کننده ملاک فرایندی بطور مثبت و ملاک محتوایی

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

بصورت منفی بوده و افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند بیشتر گرایش دارند که در انتخاب همسر به ملاکهای فرآیندی بیش از ملاکهای محتوایی بها دهند. همینطور افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا متمایل به در نظر گرفتن ملاکهای محتوایی بیش از ملاکهای فرایندی بودند. بنابر بررسی‌های صورت گرفته توسط محقق مطالعه ای که به صورت مستقیم به بررسی این فرضیه پرداخته باشد یافت نشد. این یافته‌ها با پژوهش اکرمیان (1389) تقریبا همسو است. وی پژوهشی در ارتباط با مقایسه ملاکهای محتوایی و فرآیندی همسرگزینی در افراد با میزان بالا و پایین خودمتمایزسازی در کاشان انجام داده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا، ملاکهای فرآیندی و افراد با خودمتمایزسازی پایین، ملاکهای محتوایی را مورد توجه قرار داده‌اند. در این پژوهش نیز افراد دارای سبک‌های دلبستگی ایمن، ملاکهای فرآیندی را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند و افراد دارای سبکهای دلبستگی اجتنابی، ملاکهای محتوایی را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند. معیارهای همسرگزینی، ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگیهایی هستند که از یک همسر بالقوه مطالبه می‌شوند. این ادراکات در انتخاب همسر تحت تاثیر ویژگی هایی است که در افراد مختلف، متفاوت است (باس، 2004).

از آنجایی که ملاکهای محتوایی همسرگزینی، شامل خصوصیاتی است که فرد به همراه دارد، مانند ویژگیهای روانشناختی فردی و خانوادگی (سن، تحصیلات، شغل و درآمد)، سلامت جسمانی، قومیت و مذهب. و ملاکهای فرآیندی، مجموعه کنش هایی هستند که موجب سازمان دهی نظام خانواده می‌شوند. کنش هایی از قبیل درک دیدگاه طرف مقابل، مهارتهای ارتباطی، مهارتهای حل مسئله، انعطاف پذیری، قاطعیت. به نظر می‌رسد که در جریان ازدواج، نشانه‌های محتوایی به عنوان

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

عامل آغازگر زندگی زناشویی و نشانه‌های فرآیندی به عنوان نگهدارنده و محافظت کننده‌های زندگی زناشویی باید مورد توجه قرار گیرد. منطقی است که بین باور به ملاک‌های فرآیندی و سلامت روانی فرد رابطه مستقیم و مثبتی وجود داشته باشد (رفاهی، 1387). و افراد دارای سبک دلبستگی ایمن توانایی برقراری ارتباط سالم با دیگران را دارند و در روابط خود از خودمتمایزسازی بهنجاری برخوردارند و هر دو این ویژگی‌های روانشناختی (سبک دلبستگی ایمن و خودمتمایزسازی بالا) از مولفه‌های سلامت روان محسوب می‌شوند، در نتیجه می‌توان انتظار داشت که افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند قادر به درک ملا کهای فرآیندی همسرگزینی هستند و این ملاک‌ها که دوام روابط زناشویی را تضمین می‌کند را بیشتر مورد توجه قرار دهند. بنابراین این موضوع که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در انتخاب همسر آینده خود بیشتر به ملاکهای فرآیندی توجه نمایند، دور از ذهن نیست.در واقع می‌توان با استناد به دانش نظری و تئوری‌های روان شناختی در این زمینه اینگونه استنباط کرد که افرادی که از بلوغ عاطفی و روانی بیشتری برخوردارند در انتخاب همسر بیشتر به ویژگیهایی بها می‌دهند که ضامن بقاء رابطه زناشویی بوده و نمود این ویژگیها را می‌توان عمدتا در ملاک‌های فرایندی همسر گزینی مشاهده کرد. همین طور، انتظار می‌رود افرادی که دارای سبک دلبستگی نا ایمن (اجتنابی، دوسوگرا) هستند بیشتر به ویژگیهای فعلی طرف مقابل (ملاک‌های محتوایی) توجه کرده و دور اندیشی لازم برای مدنظر قرار دادن ویژگیهایی که ضامن تداوم رابطه در آینده (ملاک‌های فرایندی) می‌باشد را نداشته باشند.

آنچه که می‌تواند توجیه کننده تفاوت ملاک‌های همسر گزینی در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

و نا ایمن باشد، میزان اضطراب یا احساس نا ایمنی افراد است. پژوهشگران متوجه شدند که سبک دلبستگی بزرگسالان می‌توانند مانند نقشه ای نظام مند تمام حیطه‌های روابط صمیمانه را در بر گیرد (هازان و شاور، 1994). آن‌ها اثبات کردند که بنیان روابط رمانتیک در بزرگسالی، همانند تشکیل رشته‌های دلبستگی میان کودک و مادر فرآیندی زیستی اجتماعی[1] و دلبستگی مدار است: همان گونه که کودکان نسبت به مراقب اصلی خود سبک‌های دلبستگی ایمن، بی قرار، اجتنابی و متزلزل را نشان می‌دهند، بزرگسالان نیز در روابط صمیمانه خود رویکردهایی ایمن، بی قرارانه، اجتناب گرانه و متزلزل را اتخاذ می‌کنند. افرادی که از دلبستگی ایمن برخوردارند در روابط بین فردی از آرامش بیشتر و سطح اضطراب کمتر برخوردار بوده و نمود این وضعیت روانی را می‌توان در رفتار همسر گزینی آنها مشاهده کرد. به عبارت دیگر افراد نا ایمن (اجتنابی و دوسوگرا) از سطح اضطراب بالایی برخوردار می‌باشند و این احساس نا ایمنی و اضطراب باعث می‌گردد که آنها در انتخاب همسر ویژگیهای کاملا عینی و اطمینان بخش (ملاک‌های محتوایی) را مد نظر قرار داده و از توجه به ویژگیهای روانشناختی و مهمی که ضامن بقای رابطه زناشویی است غافل شوند. در حالیکه احساس ایمنی و سطح اضطراب پایین افرادی دارای سبک دلبستگی ایمن به آنها این توانایی را می‌دهد که صرفا به ویژگیهای فعلی طرف مقابل اکتفا نکرده و با دور اندیشی بیشتر به ملاکهایی توجه کنند که سرنوشت زندگی زناشویی آنها را رقم می‌زند.بین حوزه خودگردانی و عملکرد مختل در طرحواره ناسازگار اولیه دانشجویان دختر و ملاک محتوایی همسر گزینی، بین حوزه خودگردانی و عملکرد مختل در طرحواره

1. biosocial process

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

ناسازگار اولیه دانشجویان دختر و ملاک همسر گزینی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین حوزه محدودیت مختل در طرحواره ناسازگار اولیه دانشجویان دختر و ملاک محتوایی رابطه معناداری وجود دارد. در این یافته، از بین حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، فقط دو حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل با ملاکهای محتوایی همسرگزینی رابطه معنادار دارد و در سایر حوزه‌ها رابطه معناداری یافت نشد. همین طور نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حوزه محدودیت مختل و حوزه خود گردانی و عملکرد مختل بطور مثبت پیش‌بینی کننده ملاکهای محتوایی همسر گزینی دختران است. و همچنین تنها حوزه خود گردانی و عملکرد مختل پیش‌بینی کننده منفی ملاکهای فرایندی همسر گزینی است. بنابر بررسی‌های صورت گرفته توسط محقق مطالعه ای که به صورت مستقیم به بررسی این سوال پرداخته باشد، یافت نشد.

طرح‌واره، یک ساختار شناختی به منظور غربال کردن، کدگذاری و ارزیابی محرکی است که ارگانیسم در معرض آن قرار گرفته است. براساس ماتریکس طرح‌واره‌ها، فرد قادر می‌شود تا خود را در ارتباط با زمان و فضا جهت‌یابی کند و تجربه‌های خود را به روش معنی داری طبقه‌بندی و تفسیر کند (بک، 1976؛ به نقل از بارلو، 2002). به نظر می‌رسد که طرحواره‌های ناسازگار از عوامل روانشناختی است که حوزه‌های آن در هر فرد، همسرگزینی و ملاکهای وی را برای انتخاب همسر متأثر می‌سازد. طرحواره‌های باثبات ذهنی، یکی دیگر از تعیین کننده‌های درونی ای هستند که نقش بسیار مهمی در انتخاب همسر و نیز راهبردهای مقابله ای در رابطه عاطفی دارند (حسینی، 1389). از آنجایی که محتوای طرحواره‌ها، کلیه جنبه‌های زندگی فرد، اعم از آگاهانه یا غیرآگاهانه را در بر می‌گیرد، بدیهی است که ردپای تاثیر طرحواره‌ها در ملاک‌های انتخاب همسر

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

را نیز می‌توان مشاهده کرد.

فریمن و فاسکو (2004) معتقدند که طرحواره‌ها، مفروضه‌ها یا قوانین زیربنایی هستند که افکار و رفتارهای فرد را تحت کنترل خود دارند، و در طول سال‌های زندگی فرد تحول یافته‌اند. محتوای طرحواره‌ها، کلیه‌ی جنبه‌های زندگی فرد، اعم از آگاهانه یا غیرآگاهانه، را در برمی‌گیرد. طرحواره‌ها، معنی و ساختاری که فرد به دنیا می‌دهد، را ایجاد می‌کنند. طرحواره‌ها، در طول دوره‌ی تحول فرد شکل گرفته‌اند، به این معنا که، به موازاتی که فرد از محیط پیرامون خود اطلاعات را دریافت می‌کند، آن را پردازش و فیلتر می‌کند. هر فردی به طور منحصر به فرد و براساس ادراک و معنی که به این اطلاعات می‌دهد، آنها را دسته‌بندی و مرتب می‌کند و آن اطلاعات را سازمان می‌دهد. اما در عین حال، تحول طرحواره‌ها تحت تأثیر فرهنگ، خانواده، مذهب و عوامل مربوط به جنسیت، سن یا شخصیت فرد قرار دارد.

خودمختاری، توانایی مجزا ساختن فرد از خانواده و عملکرد مستقل متناسب با سن است. افراد دارای این حیطه از طرحواره در مجزا کردن خود از خانواده و نمادهای والدینی و عملکرد مستقل مشکل دارند. به عبارت دیگر، در طول دوره‌ی کودکی، خانواده‌ی این افراد در کارهای کودک بسیار دخالت می‌کردند و به طور افراطی، حمایت‌کننده بودند. این بیماران در شکل دادن یک هویت مستقل دچار اشکال هستند. این طرحواره غالب اوقات شامل درگیر شدن هیجانی افراطی و نزدیکی بیش از حد فرد با دیگران است. افراد دارای این طرحواره باور دارند که فردیت بهم ریخته‌ای دارند و در نتیجه، بدون حمایت مستمر دیگران قادر نخواهند بود که عملکرد مناسبی داشته باشند و به زندگی خود ادامه دهند. همچنین، احساس هم‌جوشی مستمر با دیگران و هویت فردی بی‌کفایت از دیگر

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

مشکلاتی است که این افراد دارند. در نتیجه، احساس پوچی مزمن، بی‌هدفی و پوچگرایی می‌کنند.

ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی با بلوغ روانشناختی و سلامت روانی فرد رابطه مستقیمی دارد. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که افرادی که دارای این طرحواره‌های فعال شده هستند، قادر به درک ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی نباشند و بیشتر ملاکهای محتوایی را مدنظر قرار دهند. به عبارت دیگر این نتایج کاملا با دانش نظری مربوط به این حیطه هماهنگ می‌باشد.

همانگونه که داده‌ها نشان داد بین حوزه بریدگی و طرد در طرحواره ناسازگار اولیه دختران دانشجو با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، بین حوزه خودگردانی و عملکرد مختل در طرحواره ناسازگار اولیه با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، بین حوزه دیگر جهت مندی در طرحواره ناسازگار اولیه با سبک دلبستگی اجتنابی و نیز بین حوزه دیگر جهت مندی در طرحواره ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی دوسوگرا، بین حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری در طرحواره ناسازگار اولیه دختران با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. همچنین بین حوزه محدودیت مختل و سبک دلبستگی ایمن و نیز بین حوزه بریدگی و طرد با سبک دلبستگی ایمن و بین حوزه دیگر جهت مندی با سبک دلبستگی ایمن رابطه معناداری در جهت معکوس وجود دارد.

این یافته‌ها با نتایج پژوهشی که احمددوست (1389)، با عنوان بررسی و مقایسه سبکهای دلبستگی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه زنان مطلقه و متاهل انجام داد همسو است. احمددوست به این نتایج رسید که از بین سبکهای دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی معناداری در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارد به طوری که هرچه سبک ایمن بیشتر باشد، پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار نیز کاهش می‌یابد. به

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

ترتیب سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بیشترین رابطه معناداری را با حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه هم در گروه زنان متاهل و هم در گروه زنان مطلقه دارد.

تحلیل نتایج نشان داد که سبکهای دلبستگی طرحواره‌های ناسازگار را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این یافته‌ها با تحقیقات پلاتس و همکاران (2002)، ماسون و همکاران (2005)، سیسرو و همکاران (2004) و احمد دوست (1389) همسو است که مدل‌های فعال درونی با طرحواره‌های شناختی در ارتباط است. در این یافته‌ها سبک دلبستگی ایمن رابطه معکوسی با حوزه طرد و بریدگی دارد. این یافته با پژوهش راینر (2008) و سیسرو و نلسون (2004) همخوان است که نشان داده‌اند سبک ایمن رابطه معکوسی با طرحواره‌های ناسازگار دارد و دلبستگی اجتنابی پیش بین طرحواره‌های حوزه طرد و بریدگی می‌باشد. در تبیین این یافته باید گفت افراد دارای طرحواره‌های ناسازگار بریدگی و طرد نسبت به دریافت محبت و برقراری ارتباط با اطرافیانشان دچار بی ثباتی و بی اعتمادی هستند و فکر می‌کنند که هر لحظه امکان دارد شریک زندگیشان آنها را رها کنند و به فرد دیگری علاقمند شوند. تحقیقات نشان می‌دهند که افرادی که الگوهای درونی ناایمن دارند به دلیل آنکه انتظارات ارتباطی شان بر مبنای نداشتن اعتماد و اطمینان شکل گرفته است پشتیبانی کمتری از دیگران انتظار دارند، آنها رفتارهای مشکل زا از خود نشان می‌دهند و ارتباط نامناسبی با دیگران دارند (کاپلان و سادوک، 1998).

جان بالبی و یانگ معتقدند که تجارب اولیه دوران کودکی، کارکردهای روانشناختی بعدی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بالبی معتقد است که الگوهای فعال درونی و سبکهای دلبستگی مولفه‌های اصلی شخصیت هستند. یانگ همچنین مدعی

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

است که طرحواره‌های شخصی رشد یافته ساختارهای شخصیتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بالبی و یانگ توافق دارند که نتایج مدلهای روانی شخصی از تعامل‌های اولیه کودک و والد اغلب شامل همه زمان‌ها هستند به علت اینکه افراد تمایل به استنباط کردن اطلاعاتی را دارند که مدل‌های قبلی موجود را تایید کند.

پلانس و همکاران (2004)، ذکر کردند که مفهوم مدل‌های فعال درونی دلبستگی ارتباط روشنی با طرحواره‌های شناختی دارد پلات پیشنهاد می‌کند که سبک دلبستگی ممکن است به عنوان یک پل ارتباطی مفهومی بین تجارب اولیه ارتباطی و توسعه سبک‌های شناختی باشد. الگوی این ارتباط که در نتیجه تعامل با مراقبان اولیه است کارکردهای عاطفی و روانشناختی بعدی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. طرحواره‌های ناسازگار اولیه از تعاملات اولیه با مراقبان تشکیل شده است هر دوی این مفاهیم برای کارکردهای بعدی بسیار مهم می‌باشند و مطالعه ارتباط این دو مفهوم بسیار ضروری است.

از بین سبکهای دلبستگی، سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت مندی و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری رابطه معنادری دارد. این یافته همسو با پژوهش راینر (2008) و پژوهش اندوز و حمیدپور (1384) است. آنها در تحقیقی بدین نتیجه دست یافتند که هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر باشند رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و گزارش نمودند که سبک دلبستگی ایمن و ناایمن با طرحواره‌های ناسازگار ارتباط معنی داری دارد. از طرفی سبک دلبستگی ایمن رابطه معکوسی با حوزه‌های محدودیت مختل، بریدگی و طرد و جهت مندی دارد. که همسو با پژوهش اعتمادی و یزدانی (1387) می‌باشد آنها نشان دادند که بین سبکهای دلبستگی و

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

طرحواره‌های ناسازگار اولیه زنان رابطه معناداری وجود دارد و به این نتیجه رسیدند که سبک ناایمن همه خرده مقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه را نبیین و پیش‌بینی می‌کند و این پژوهش با نتایج بالبی (1977) و برنان و شیور (1998) که سبکهای ناایمن با مشکلات روانشناختی در ارتباط است همسو است. و دلبستگی ایمن ارتباط معکوس با طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارد. این یافته نیز با مطالعات بالبی (1977) و اینزورث (1989) همسو است که دلبستگی ایمن ارتباط معناداری با بهزیستی عاطفی افراد دارد.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که جامعه این پژوهش دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می‌باشند و در تعمیم یافته‌های آن به افراد دیگر باید احتیاط بعمل آورد. پیشنهاد می‌گردد این پژوهش روی سایر افراد از جمله دانشجویان پسر نیز انجام گیرد. ضمنا پیشنهاد می‌گردد در سنجش ملاکهای همسرگزینی از ابزارهای دیگری نیز استفاده گردد.

تقدیر و تشکر

از معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به خاطر تامین بودجه این پژوهش از محل اعتبارات آن معاونت، و از همکاری صادقانه افرادی که در این پژوهش شرکت کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.

منابع

- احمد دوست، حسین. (1389). *بررسی و مقایسه سبکهای دلبستگی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه زنان مطلقه و*

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

متأهل. کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- افشاری نیا، کریم ؛ کاکابرایی، کیوان. (1389). *فرآیند مشاوره*. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- اکرمیان، فهیمه. (1389). مقایسه ملاک‌های همسرگزینی در افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا و پایین در کاشان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- آهی، قاسم. (1384). *بررسی ساختار عاملی فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان سنجی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینی، بیتا. (1389). *زوج درمانی تحلیلی(1)*. تهران: انتشارات جنگل.
- حسینی، بیتا. (1389). *زمینه زوج درمانی*. تهران: انتشارات جنگل.
- رفاهی، زهره. (1387). *ارائه مدلی جهت ارزیابی خانواده بر مبنای ملاک‌های همسرگزینی و رابطه این ملاکها با عملکرد خانواده*. رساله دکتری در رشته مشاوره. دانشگاه علو م تحقیقات واحد تهران مرکز.
- عابدی، داریوش ؛ فرحبخش، کیومرث. (1379). *بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*. تهران: طب و تزکیه، نمایه، شماره 39.
- یانگ، جفری. (1999). *شناخت درمانی اختلالات شخصیتی: رویکرد طرحواره- محور*. ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور. (1384). تهران: انتشارات آگاه و ارجمند.
- یانگ، جفری. ای؛ کلوسکو، زانت. اس؛ ویشار، مارجوری. ای. (2003). *طرحواره درمانی : راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (1386). چاپ اول. تهران: انتشارات ارجمند.
- یوسفی، ناصر. (1389). *مقایسه اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی ونظام عاطفی بوون بر طرحواره های ناسازگارانه اولیه، تفکیک خویشتن، سبکهای دلبستگی و میل به طلاق در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز*. پایان نامه دکتری مشاوره خانواده. دانشگاه اصفهان.
- Barlow, D.H. (2002). *Clinical handbook of psychological disorder*. New York: Guilford Press.
- Bowlby,J.(1989).*Attachment and loss*. Loss (vol.III).New York: Basic Books.
- Buss. D. M. (1999). The strategies of human mating. *American scientist*, 82.238-246.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

- Buss, D.M. (2006). Sexual selection and human mating strategies. *Journal of science*, 312, 690-691.
- Freeman, A., Fusco, G.M. (2004).*Borderline personality disorder- A therapist s guide to taking control.* USA: Norton.
- Kardatzke,K.N. (2009).*Perceived Stress, Ault Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students*. Unpublished doctoral dissertation. Green sboro, university.
- Palts, H,Tyson, M., & Mason, O. (2002). Adult attachment style and core beliefs: are they linked? *Clinical psychology and psychotherapy*, 9, 332-348.
- Rayner, J. S.(2008). *The Relationship between Patterns of Relating and Early Maladaptive Schemas*. Presented for the Doctor of Philosophy Degree The University of Mississippi.
- Riso, L.P., du Toit, P.L., Stein, D.J. & Young. J.E. (2007). *Cognitive schemas and core*. USA: American Psychological Association.
- Young, J.E., Klosko, J.S & Weishaar ,M.E. (2003).*Schema therapy, A practitioner guide*. New York: Guilford Press.
- Young, J.E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach (revved).* Sarasota, FL: professional Resources Press.

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from journal.irancounseling.ir on 2026-11-03]